

**■ توجه دوباره به اهمیت شاهنامه از نظر فرهنگی و ادبی باعث شده است در سال‌ها و دهه‌های اخیر شاهنامه‌پژوهی و شاهنامه‌خوانی در میان مردم رواج بیشتری پیدا کند و برای بسیاری از مردم این پرسش ایجاد شود که کدام چاپ شاهنامه را بخوانند تا درست‌تر و کم‌غلط‌تر باشد. شما چه پاسخی به این پرسش می‌دهید؟**



این پرسش یک پاسخ آسان دارد که همزمان خیلی هم آسان نیست. چرا آسان است؟ چون دیگر برکسی پوشیده نیست که حاصل تحقیقات چنددهه‌ای دکتر جلال خالقی مطلق بهترین و قابل‌اعتمادتر تین چاپ شاهنامه را برای ما فراهم کرده است. ایشان خدمتگزار راستین شاهنامه و فرهنگ ملی ایران‌زمین بودند و از هر جهت سزاوار احترام‌اند. بعید است کسی در این تردید داشته باشد که بزرگ‌ترین خادم شاهنامه در کل تاریخ فرهنگ ایران دکتر خالقی مطلق بوده‌اند. پس پاسخ از این جهت آسان است که باید شاهنامه دکتر جلال خالقی‌مطلق را بخوانیم. اما از یک جهت پاسخ به این پرسش آسان نیست. مگر یک شاهنامه خالقی‌مطلق هست؟ وقتی به بازار می‌رویم می‌بینیم چاپ‌های متعددی به‌عنوان تصحیح دکتر خالقی‌مطلق هست، یکی مفصل و دیگری نسبتاً مختصرتر. می‌دانید که همان چاپ مفصل هشت‌جلدی هم تغییر یافته چاپ دیگری در آمریکا بوده که با تغییرات اندکی در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی منتشر شده است. از سال ۱۳۹۳ نیز یک چاپ دوجلدی بزرگ در انتشارات سخن فراهم شد به‌نام «پیرایش نهایی شاهنامه» یعنی حاصل تمام زحمات استاد. این چاپ هم که غلط‌های نوشتاری داشت، بعدها با اصلاحاتی در چهارجلد چاپ شد. بعد از این هم در سال ۱۳۹۷ به بعد این چاپ چهارجلدی با تغییراتی که خیلی هم کم نبود، باز در همان چهارجلد چاپ شد. بنابراین وقتی می‌گوییم چاپ خالقی‌مطلق، باید بدانیم کدام تصحیح و چاپ کدام سال، چون هر چند سال یک بار با تغییراتی چاپ شده است. جالب است این‌طور نیست که چاپ آخری درست‌ترین باشد و این‌طور هم نیست که چاپ اولی کم‌اعتبارتر باشد. یعنی پژوهشگر و مطالعه‌کننده شاهنامه همواره در سرگردانی خواهد بود که آن هشت‌جلدی یا این چهارجلدی جدید را چکار کند. بعضی بیت‌ها در آن هشت‌جلدی درست است و در این چهارجلدی تغییر کرده و غلط شده است. بعضی بیت‌ها نیز در آن هشت‌جلدی غلط است و در این چهارجلدی درست شده است. بنابراین باید همیشه یک شاهنامه هشت‌جلدی چاپ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی داشته باشیم و یک شاهنامه چهارجلدی چاپ انتشارات سخن که هر دو تصحیح دکتر خالقی‌مطلق است. پس مسئله به‌آسانی حل نمی‌شود. همه مخاطبان که ضوابط و معیارها را نمی‌دانند تا تشخیص دهند بیت‌های شاهنامه در کدام چاپ درست است؛ باید کلی مقاله از آثار دکتر خالقی‌مطلق و همکارانشان یا پژوهشگران دیگر بخوانند تا در موارد اختلافی بفهمند کدام ضبط از کدام بیت درست است. در این میان یک دردسر دیگر هم داریم که خیلی عجیب است؛ با همه زحمت‌های ارزشمندی که دکتر خالقی‌مطلق در این چند دهه کشیده است، باز برخی بیت‌های شاهنامه را می‌بینیم که در چاپ‌های دیگر درست است و فقط در چاپ دکتر خالقی‌مطلق غلط است. شاید مخاطبان دچار شگفتی شوند وقتی این جمله را بشنوند. می‌دانیم که دکتر خالقی‌مطلق بیشترین زحمت را کشیده و از بیشترین سند و بیشترین نسخه بهره برده‌اند و کارشان هرگز قابل مقایسه با کوشش‌های دیگران نیست؛ با این حال چطور است که بعضی بیت‌ها فقط در کار ایشان غلط است؟ یعنی هم در تصحیح اول و هم در پیرایش نهایی ایشان؟ این پرسش هم یک پاسخ دارد که از جهتی ساده و از جهتی مشکل است. پاسخ ساده‌اش این است که دکتر خالقی‌مطلق یک مصحح منفعل نبوده‌اند و در بعضی بیت‌ها تصرف کرده‌اند درحالی‌که در چاپ‌های دیگر این تصرف‌ها نیست. نه اینکه در چاپ‌های دیگر مصححان شاهکار کرده و صورت درست بیت‌ها را کشف کرده‌اند یا دکتر خالقی‌مطلق از کشف آن‌ها ناآگاه بوده و ابزارهایش را نداشته‌اند، بلکه به همین دلیل ساده

که دکتر خالقی‌مطلق مصحح فعال بودند نه مصحح منفعل. یعنی در برابر نسخه‌های شاهنامه خویش‌نقدان نبودند. خودشان وارد گود می‌شدند و تعیین می‌کردند که کلمه باید به چه صورتی در متن بیاید. اما چون دیگران از این تغییرات ندادند، خودبه‌خود بعضی بیت‌ها در تصحیح آن‌ها دست‌نخورده و درست و اصیل مانده و در چاپ دکتر خالقی‌مطلق دست‌خورده و نادرست و غیراصیل آمده است. اما به هر حال مستندترین و پرمایه‌ترین و گرانسنگ‌ترین چاپ شاهنامه چاپ دکتر خالقی‌مطلق است. چاپ هشت‌جلدی ایشان با انبوه نسخه‌بدل‌های پایین هر صفحه نشان می‌دهد که چقدر زحمت‌کشیده‌اند. اهالی متن‌پژوهی می‌دانند که تصحیح یک متن کهن با ۱۵نسخه‌حتی یک صفحه‌اش هم چقدر سخت است، چه برسد به اینکه بخواهی ۵۰هزار بیت را تصحیح کنی و برای هر کدام از این بیت‌ها یا برای هر کلمه از آن‌ها هی به این‌۱۵نسخه مراجعه کنی درحالی‌که برای انتخاب از میان این‌ها باید موازین خودت را در ذهن داشته باشی که با چه معیاری می‌خواهی انتخاب کنی و این معیارها همیشه هم قطعی نیستند و دشواری‌های بسیاری به‌وجود می‌آورند. بنابراین دکتر خالقی‌مطلق و همکارانشان دکتر امیدسالار و شادروان دکتر خطیبی واقعاً کار دشوار و ارزنده‌ای انجام داده‌اند.

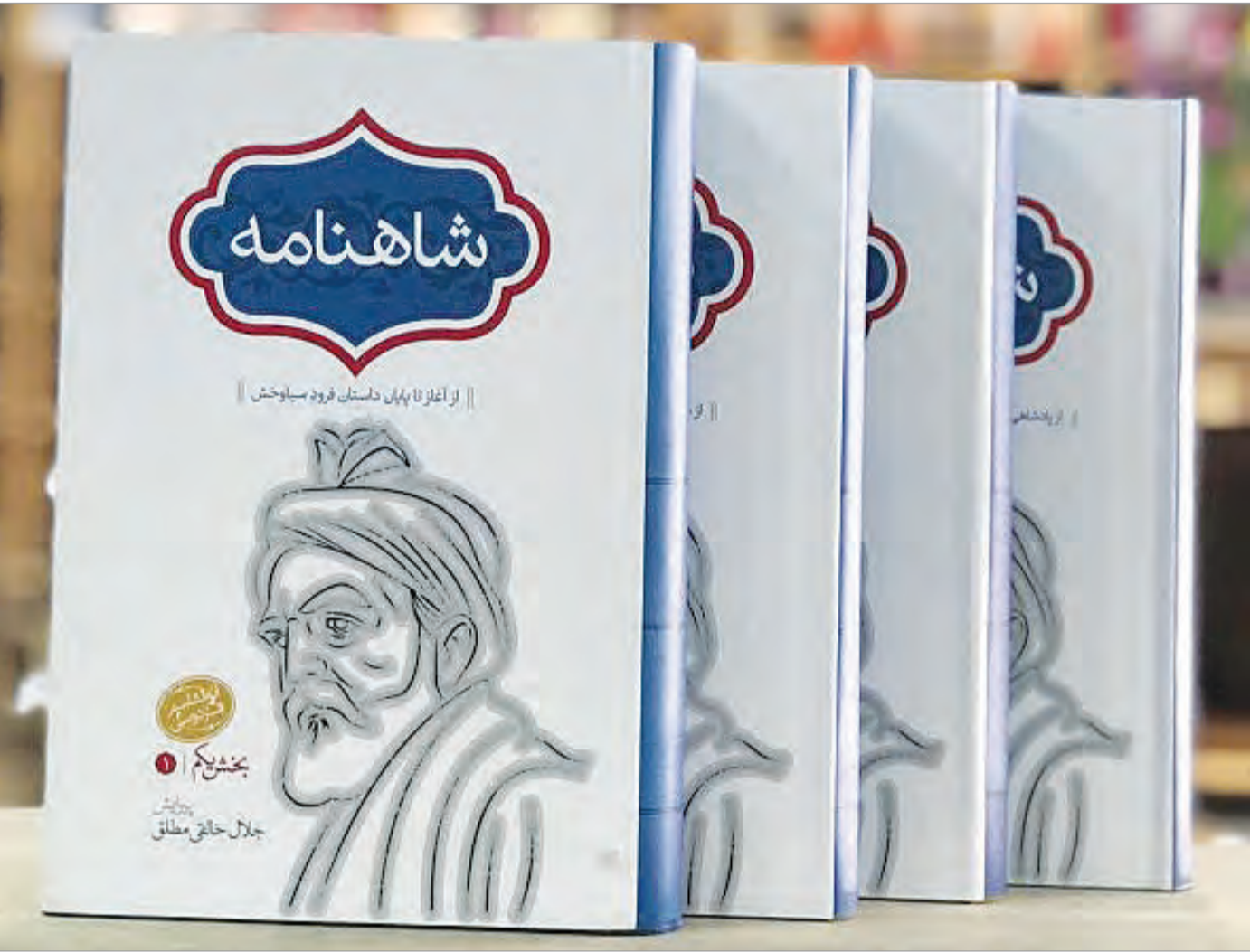
برای فهمیدن ارزش کار ایشان یک راه ساده‌تر هم هست. اگر فرض کنیم دکتر خالقی‌مطلق و آثارشان نبودند، چه چیزهایی را از دست می‌دادیم؟ بی‌شک چیزهای خیلی مهمی را از دست می‌دادیم. رونق شاهنامه‌پژوهی در دهه‌های اخیر مدیون آثار دکتر خالقی‌مطلق است؛

## فرهنگ و هنر

**گفت‌وگوی تفصیلی با وحید عید‌گاه، شاعر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران**

**درباره ارزیابی چاپ‌های شاهنامه به‌مناسبت روز بزرگداشت فردوسی**

# کدام شاهنامه را بخوانیم؟



**یوسف بینا** | وقتی به پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها نگاه می‌کنیم و می‌خواهیم یک «شاهنامه» بخریم، گزینۀ‌های مختلفی به‌چشم ما می‌آید؛ «شاهنامه چاپ مسکو»، «شاهنامه‌به‌تصحیح‌ژول مول»، «شاهنامه‌به‌تصحیح مصطفی جیحونی» و شاهنامه‌های فراوان دیگری که به‌کوشش فلان و بهمان منتشر شده است، اما حدود دو دهه است که «شاهنامه پیرایش جلال خالقی‌مطلق» در این میان بر صدر نشسته است و سخنرانی‌ها و مقاله‌های بسیار در برتری آن بر دیگر چاپ‌های شاهنامه نوشته‌اند. امروز بر همه اهالی کتاب و ادبیات روشن است که این چاپ از

حماسه ملی ایران با اختلاف بهترین است و خواننده‌را از مراجعه به دیگر شاهنامه‌ها بی‌نیاز کرده است. اما آیا این کار پژوهشی‌ست‌رگ که محصول شش دهه کوشش عالمانه استاد خالقی‌مطلق است، عیب و نقصی ندارد یا انتقاد و ایرادی به آن وارد نیست؟ آیا نمی‌توان با نقد و بررسی آن قدم‌های بلندتری در مسیر شاهنامه‌شناسی و فردوسی‌پژوهی برداشت؟ در آستانه بیست‌وپنجم اردیبهشت که روز بزرگداشت فردوسی است، با دکتر وحید عیدگاه، شاعر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته متن‌پژوهی به‌گفت‌وگو نشستیم تا از او بپرسیم «کدام شاهنامه را بخوانیم؟»

## شاهنامه، آینه خودآگاهی ملی

است اما وقتی می‌خواهد وارد این مباحث‌شود، به‌مخالف خود توهمین می‌کند. فردوسی فقط وقتی درباره پیدادگران سخن می‌گوید به‌آن‌ها حرف‌مرغی می‌زندوبرای نمونه آن‌ها را «نهنگان مردم‌کشان» یعنی «تمساح آدم‌خوار» تشبیه کرده است. او هرگز زیانش را به هر چیزی آلوده نمی‌کند. حتی وقتی بعضی توصیف‌ها ممکن است مطالب‌ناپسند به‌ذهن شاعر بیآورد و شاعر خود را از گفتن مطالب‌تانلدزاهای زشت ناگزیر ببیند، اما فردوسی راه چاره‌ای پیدا می‌کند و از آن می‌گذرد و مثل برخی شاعران مکت‌نمی‌کند. آثار برخی شاعران اهل وعظ و تصوف را هم که ببینید، این تفاوت خیلی آشکار می‌شود. شما زبان سنایی و مولانا را با زبان فردوسی مقایسه کنید و ببینید چقدر مطالب‌گزنده و زننده و رکیک در آثار این دو تن هست و مقایسه کنید با زبان فردوسی که چقدر پاکیزه و مؤدب است. بعضی‌ها به‌طور سنتی

**وحید عیدگاه** | درباره فردوسی و اثر گرانمایه او شاهنامه، دو نکته در کنار دیگر نکات ادبی و فرهنگی و هنری و زبانی که همه برجسته‌اند، برای من مهم‌ترند. نخست طرز فکر و سطح اندیشه و ادب فردوسی است. وقتی با برخی بیت‌هایش مواجه می‌شویم، حس می‌کنیم با شاعران معمولی فرق دارد. با اندیشه‌ای ژرف‌تر و انگار از جای بالاتری جهان را نگاه می‌کند. ببینید درباره امکان نداشتن رؤیت خداوند چگونه حرف زده است: «به‌ببیندگان آفریننده‌را/ نبینی مرنجان دو بیننده‌را». ببینید چقدر زیبا و محکم و مؤدبانه هم مخالفت خود را با اندیشه‌ای بیان کرده و هم اندیشه خود را گفته و به کسی توهمینی نکرده است. حالا ببینید نظامی مخالفت خود را با فردوسی چگونه گفته و به‌او توهمین کرده است: «دیدنش از دیده نباید نهفت/ کوری آن کس که به دیده نگفت». نظامی شاعر هنرمند و توانمندی

محققانه را در پیش بگیرند. روش محققانه هرگز خود را درست تسلیم یک اندیشه نمی‌کند. مهم این است که دکتر خالقی‌مطلق کار را چندین قدم به جلو برده است و این هم ممکن است برای هر کسی واضح نباشد. خیلی از افرادی که چاپ‌های شاهنامه را می‌خوانند، در عمل با مشکل مواجه نمی‌شوند، چون بسیاری از بیت‌ها معنی دارند و شسته‌رفته و زیبا هم هستند و ممکن است به نظر برسد عیبی ندارند.

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی کزی زاید و کاستی

بیت به این معروفی و زیبایی را در چاپ‌های شاهنامه می‌خوانیم، اما وقتی چاپ دکتر خالقی‌مطلق را می‌خوانیم یا بعضی از چاپ‌هایی که نسبتاً معتبرند، می‌بینیم که به‌شکل دیگری آمده است:

ز نیرو بود مرد را راستی
ز سستی دروغ آید و کاستی
دکتر خالقی‌مطلق با توجه به نسخه‌های خوب و معتبر و کهن این بیت را تصحیح کرده‌اند. برخلاف آنچه معروف است، در این بیت کلمه «کزی» به‌کار نرفته است. آنچه با «راستی» تضاد دارد «دروغ» است، اما چون «راستی» را فیزیکی فرض کردیم فکر کردیم مخالفش «کزی» می‌شود. وقتی چاپ دکتر خالقی‌مطلق را می‌خوانیم، بیت فردوسی را دقیق‌تر می‌فهمیم که می‌گوید: «تو باید در این دنیا قوی باشی اگر می‌خواهی راست بگویی، اگر ضعیف بشوی مجبوری دروغ بگویی!» چون قدرت باعث راست‌گویی و ضعف باعث دروغ‌گویی می‌شود. از این مثال‌ها فراوان است که در چاپ دکتر خالقی‌مطلق شکل

خالقی «شوریده‌گش» است، چون «گش» به‌معنای «صفر» است و «شوریده‌گش» یعنی آدمی که صفرایش آشفته شده و خشمگین است. پس معلوم است کاتبان نسخه‌ها «گش» را برداشته‌اند و به‌جایش «هش» گذاشته‌اند چون معنی «گش» را نمی‌دانسته‌اند. دکتر خالقی‌مطلق هم بر اساس این اصل شکل دشوارتر را آورده است. پس به‌طور منطقی ضبط‌های دشوار معمولاً با اینکه به‌ظاهر غلط‌اند اما در باطن درست‌اند چون ضبط‌های ساده معمولاً در نسخه‌های جدید و متأخر و کم‌اصالت دیده می‌شوند و ضبط‌های دشوار در نسخه‌های قدیمی و اصیل دیده می‌شوند. این قانون خوب و درست «برتری ضبط دشوار بر ضبط آسان» در ذهن برخی مصححان مثل دکتر خالقی‌مطلق با چیز دیگری اشتباه شد. باید بدانیم «ضبط دشواری که وجود دارد برتر است از ضبط آسانی که وجود دارد» نه اینکه خود مصحح یک کلمه دشوار بسراید. در برخی بیت‌های شاهنامه، دکتر خالقی‌مطلق چیزهایی را خودشان ساختند، مثلاً به‌جای کلمه «نهفته» نوشتند «نهین» و به‌جای کلمه «تهدید» نوشتند «زلیفن» و بیت را بازرسانی کردند. توجه‌ناداشتن به برخی قواعد ادب فارسی باعث برخی دیگر از تصرفات دکتر خالقی‌مطلق در تصحیح شاهنامه شده است. مثلاً ایشان متوجه شدند که در نسخه‌های قدیمی شاهنامه تعداد مواردی که قبل از «الف» حرف «ز» وجود دارد کمتر است نسبت به نسخه‌های جدید شاهنامه و در نسخه‌های قدیمی بیشتر «از» به‌جای «ز» آمده است. مثلاً اگر در نسخه‌های سده نهم و دهم «ز ایرانیان» دیده شود، به‌احتمال زیاد در یک نسخه سده هشتم یا هفتم «ز ایرانیان» هست. این نکته را که ایشان با ممارست و دقت به‌درستی تشخیص دادند اما از آن نتیجه نادرستی گرفتند و در تصحیح نهایی خود همه «ز»‌های قبل از «الف» را «از» کردند. درحالی‌که بسیاری از این «از»‌ها اشتباه است و اشتباه فاحش‌تر این است که «ز» قبل از «ع» را نیز «از» کردند و این بیت معروف را که زیانزد اهل ادب است این‌گونه نوشتند:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و از عنبر سرشته نبود

درحالی‌که شکل درست بیت هم بر اساس قواعد ادبی و هم طبق همه نسخه‌ها این است:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و ز عنبر سرشته نبود

موارد دیگری هم هست که ایشان اگرچه ممارست بسیاری در متن شاهنامه کرده‌اند اما به نتایج نادرستی رسیده‌اند و حرکت‌گذاری‌های غلطی در شاهنامه داشته‌اند. البته منکر این نیستم که بسیاری از حرکت‌گذاری‌های ایشان درست است، اما باید توجه کرد که این حرکت‌گذاری‌های نادرست به‌ویژه در لغاتی که برکاربرد هستند، در سراسر شاهنامه پخش شده و ریخت بیت‌های شاهنامه را گاه‌گاه از اصالت انداخته است. نکته دیگر این است که دکتر خالقی‌مطلق در برخی تصمیم‌گیری‌ها دچار نوعی علاقه به تمایز شده‌اند؛ هم در تصحیح بیت‌ها و هم در حروف‌نگاری و شکل نوشتن کلمه‌ها و بیت‌های شاهنامه؛ مثلاً مصرع «نیک‌دل برهنر پهلوان»، را نزدیک هم نوشته‌اند درحالی‌که این عبارت سه کلمه «پهلوان نیک‌دل برهنر» است و باید جدا نوشته شود. این در حالی است که مصحح باید در پی مستندبودن و درست‌بودن باشد، خواه متمایز باشد، خواه نباشد. وقتی بیت «به نام خداوند جان و خرد/ کز این برتر اندیشه برنگرد» را از تصحیح ایشان نقل می‌کنیم، در پی این نیستیم که از تصحیح‌های دیگر متمایز باشد. این نکته نیز برخی بیت‌ها را از سلامت انداخته است. آشنانبودن با اصول وزن و قافیه شعر کهن و تاریخ زبان و تلفظ‌های قدیمی برخی کلمه‌ها نیز باعث ازبین‌رفتن سلامت و اصالت برخی بیت‌ها در چاپ دکتر خالقی‌مطلق شده است. همچنین سره‌گرایی و باستان‌گرایی مصحح نیز گاه باعث شده است به بیت‌های شاهنامه در چاپ ایشان آسیب‌هایی وارد شود.

**■ در ارزیابی شاهنامه چاپ دکتر خالقی‌مطلق چگونه می‌توان راه منصفانه و علمی را پیمود؟**

از یک سو نباید دچار بی‌انصافی بود و از سوی دیگر نباید مغالطه کرد. انصاف این است که آن همه فواید که در متن‌پژوهی و مقاله‌ها و گزارش‌های ایشان هست را فراموش نکنیم. به مغالطه هم نباید تن بدیم؛ کاری که در نوشته‌های خود ایشان و برخی طرفدارانشان دیده می‌شود. هرچه در انتقاد از ایشان نوشته می‌شود، مواردش را می‌شمردند و تقسیم می‌کنند بر بیت‌های شاهنامه و می‌گویند مثلاً ده‌بیست مورد اشتباه در مقایسه با ۵۰هزار بیت شاهنامه چیزی نیست. چنین مقایسه‌ای مغالطه است. این انتقاده‌ها مربوط به لغزشگاه‌های شاهنامه است، نه موارد عادی. موارد عادی مانند «به نام خداوند جان و خرد» را اگر درست تصحیح کنیم که کار سنگینی نکرده‌ایم. لغزشگاه‌های شاهنامه است که باید در ارزیابی به آن‌ها توجه شود. بنابراین آنچه می‌بینیم، مجموعه ارزشمندی از دکتر خالقی‌مطلق به‌جان مانده است که با همه اشتباهاتی که در آن هست، همچنان پر از فایده است و این فواید را باید ارج گذاشت و از آن‌ها بهره‌مند شد و نکته‌های مثبتش را گسترش داد و اشتباهاتش را گوشزد کرد.

**■ آیا شاهنامه باید دوباره تصحیح شود؟**

با اینکه شاهنامه‌پژوهی با آثار دکتر خالقی‌مطلق بسیار پیش‌رفته است، اما باید دوباره تصحیح شود. پیداشدن نسخه‌های شاهنامه به‌نام سن‌ژورف که تا زمان چاپ هشت‌جلدی دکتر خالقی‌مطلق پیدا نشده بود و بعدها هم مصحح مراجعه مختصری به آن کردند در کنار مسائل فنی دیگر نشان می‌دهد که شاهنامه باید دوباره تصحیح شود؛ حتی اگر در بسیاری از بیت‌ها دوباره‌کاری انجام شود. ما شاهنامه‌بیس نداریم.